





با عنایت الهی، ۱۰۳ جلسه را در ۹ دوره با حدود ۵۹۰۰ اسلاید گذرانده‌ایم:

- ۱- دور « **اول - سوم** »: « **۳۰ جلسه** » از ۹۴ تا ۱۳۹۷
- ۲- دور « **چهارم** »: « **۹ جلسه** » تا دی ماه ۱۳۹۷
- ۳- دور « **پنجم** »: « **۵ جلسه** » تا اسفند ماه ۱۳۹۷
- ۴- دور « **ششم** »: « **۱۱ جلسه** » تا شهریور ماه ۱۳۹۸
- ۵- دور « **هفتم** »: « **۲۲ جلسه** » تا مرداد ماه ۱۳۹۹
- ۶- دور « **هشتم** »: « **۱۱ جلسه** » تا دی ماه ۱۳۹۹
- ۷- دور « **نهم** »: « **۱۵ جلسه** » تا مرداد ماه ۱۴۰۰



« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه اول – دور دهم – ۱۸ مهر ۱۴۰۰



در محضر سورۂ احزاب:

« جنگ أحزاب »، « بزرگترین بسیج تمام دشمنانِ اسلام »،

و رویارویی « تمام کفر » در برابر « تمام ایمان » بود.

أمیرالمؤمنین صلوات الله علیه دربارهٔ این جنگ فرمودند:

قریش و قبائل عرب گرد هم آمدند و با هم پیمان بستند تا برنگردند

مگر اینکه رسول خدا و ما فرزندانِ عبدالمطلب همراه او را بکشند.

« منافقین و یهودیان درونی » هم در کنار آن « تهاجم بیرونی »،
با « خیانت و ایجادِ شبّهه » علیه « رسول الله » صلی الله علیه و آله،
سعی می کردند مردم را از همراهی با آن حضرت منحرف کنند.
اما « حمایت الهی، إقتدار نبوی، شجاعت علوی و ابتکار سلمانی »
باعث شد این جنگ بزرگ، با کمترین هزینه، « ختم به خیر »
و « قریش و اعراب و یهودیان و منافقین » سرافکنده شوند.

« میوہ » و مهمترین دستاوردِ

جنگِ بزرگِ « اُحزاب »؟

آیة ۲۱:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ

أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ....

(أحزاب/ ۲۱)

قطعا برايتان در «رسول الله»، «أسوهای زیبا» است ...

چرا «گان»؟

با توجّه به اینکه هنگام نزولِ این آیه،

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در میان مردم **حاضر** بودند

چرا فعلِ «**كان**» به شکل «**ماضی**» بیان شده؟

آیا ایشان «**الآن**» برای ما، «**أسوه**» نیستند؟

یا **همیشه** و در همه زمینه‌ها، «**مقتدا**» هستند؟

« فعل ماضی **کان** » می‌تواند برای زمان حال و آینده باشد.
مثال:

... وَ **کان** اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا. (خداوند، همواره دانای حکیم است.)

وَ **کان** اللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيْبًا (احزاب/۵۲) (خداوند، مراقبِ هر چیزی هست.)

ما **کان** عَلٰی النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فَمَا فَرَضَ اللّٰهُ لَهُ ... (احزاب/۳۸)

(بر پیامبر در آنچه خدا برای او واجب کرده، گناهی نیست.)

... ما **کان** لَكُمْ اَنْ تُؤْذُوا رَسُوْلَ اللّٰهِ ... اِنَّ ذٰلِكُمْ **کان** عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيْمًا (احزاب/۵۳)

14

(و سزاوار نیست رسول خدا را برنجانید ... زیرا این کار، نزد خداوند، گناه بزرگی است.)

پیامِ اول:

پس با توجّه به « کَانَ » در آیه:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ

أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ... (أحزاب/ ۲۱)

« فردی » که « أُسْوَه » بودنش « اثبات » شود،
« همیشه » و در « همه ابعاد زندگی »، « أُسْوَه » است.

پرسش ۱:



» مورد: ۴۴۹ «:

» اُسوه « یعنی چه؟



پاسخ:



« أُسْوَةٌ » از ریشه « أُسْوَ »،

یعنی: « **شاخص** و **مقتدا** »

و « ۳ بار » در قرآن تکرار شده است:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ....

(أحزاب/٢١)

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ..

(ممتحنه/٤)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.... (ممتحنه/٦)

پرسش ۲:



فرقِ « متبوع » با « أسوه »؟

فرقِ « تبعيت » با « إقتدا »؟

پاسخ:



هر « متبوعی »، پیروانش را الزاماً به « جائی » نمی‌رساند،
اما « أُسوه »، « جهت معلومی » را به پیروانش می‌نماید.
« تبعیت »، گاهی « ناآگاهانه » و یا « اجباری » است،
اما « إقتدا »، « تبعیتی ارادی و آگاهانه و مشتاقانه »،
و از فرد²⁵ « راه‌بلدی » است که « شایسته پیروی » است.

پریشی ۳:



فرقِ «أسوه» با «الگو» چیست؟

پاسخ:



افراد با « **الگو** » گیری در هر زمینه‌ای (خط، نقا، خیا، آش، ورز، ...)،

اولاً: « **مجبور** » اند در « **جزئیات** »، « **تابع** » باشند،

و **نباید** به: **عقل** و **شرائط** و **ابتکار** خود توجه کنند،

ثانیاً: الگو، طبایع مختلف را « **یکسان** » می‌کند.

ثالثاً: الگو، کاری به « **مقصد** و **راه** » زندگی ندارد.

اما « **أُسُوهُ** »،

أولاً: « **جهت نما** » و « **شاخصِ راهِ عزّت** » است،

ثانياً: پیروانش را از « **تقلیدِ اجباری** » باز می‌دارد،

و مشوّقِ « **تفکّر**، **تعقل**، **خلاقیت** و **ابتکار** » است.

ثالثاً: آنها را به تشخیصِ « **عملِ صالح** » می‌رساند.

پیامِ دوم:

پس « **أُسُوهُ** »، « **وِیْژْ گِیْهائی** » دارد که

که در « **پیچ‌هایِ مهمِ** » تاریخی،

می‌تواند برای « **أُمّت** »،

« **شاخص** » و « **راه‌نما** » باشد.

پرسش ۴:



آیا «أسوه» بودن،
«إنحصاری» است؟

پاسخ:



خیر، زیرا « اطاعت و تبعیت » از رسول الله صلی الله علیه و آله،
قبلاً بارها و صریحاً در قرآن تأکید شده بود، پس ظاهراً این آیه،
تأکیدی برای « مقتدا » بودنِ « مؤمنان خاصّی » است که در
« آزمونِ حمایت شجاعانه و جانانه از حقّ »، موفق هستند.
که مصداق کامل آنان، حضرتِ « امیرالمؤمنین » صلوات الله علیه بود
که شایستگی ایشان در جنگ بزرگ احزاب، به همگان اثبات شد.

بہ چه دلیل؟



دلیل اول:

در آیه:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ

أَسْوَاهٌ حَسَنَةٌ... (أحزاب/ ۲۱)

حرف «فی» یعنی چه؟

معنای غالب در حرفِ « فی »، ظرفیتِ مکانی یا زمانی است.

اما این واژه، « معانی دیگری » هم دارد.

که یکی از معانی « **فی** »، « **درباره** » است.

که در « آیات متعدّدی » به کار رفته است. مانند:

قُلْ: أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ؟ ... (بقره/۱۳۹)

(بگو: آیا درباره خداوند با ما حاجّه و جدال می‌کنید؟)

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ ... (نساء/ ۱۱) (خداوند شما را درباره فرزندان سفارش می کند.)

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ ... (نساء/ ۱۲۷) (و از تو درباره زنان می پرسند.)

... وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا ... (هود/ ۳۷) (مؤمنون/ ۲۷)

(درباره آنها که ستم کردند با من سخن مگو.)

... فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَا فِي أَنْفُسِنَا ... (بقره/ ۲۴۰ و ۲۳۴)

(پس نسبت به آنچه درباره خود انجام دادند، بر شما گناهی نیست.)

قَالَتْ رُسُلُهُمْ: أَفِي اللَّهِ شَكٌّ ... (ابراهیم/ ۱۰) (رسولانشان گفتند: آیا درباره خدا شک دارید؟)

... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ... (شوری/ ۲۳)

(بگو: از شما برای آن جز مودت درباره « نزدیکان » مزدی نمی خواهم.)

پس « **فی** » در این آیه، برای بیانِ « ظرفیت » نیست:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ

أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ (أحزاب/ ۲۱)

بلکه ^{۴۳}آیه، « همانندهای رسول الله » را مطرح می کند ...

دلیل دوم:



قرآن می فرماید:

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ

وَالَّذِينَ مَعَهُ ... (ممتحنه / ۴)

قطعاً ۴۸ برایتان در ابراهیم و « همراهان او » اُسوهای زیباست ...

از اینکه یاران خاصّ حضرت ابراهیم صلوات الله علیه نیز

« **أسوه** » هستند،

معلوم می‌شود که: « **اسوه بودن** »،

در « **إنحصار** » آن دو رسول معظم صلوات الله علیهما،

« **نیست** ». »

دلیل سوم:

در جنگ احزاب، فقط « ۵ نفر » از « خندق » عبور کردند،

که « قویترین » آنها، « عمرو بن عبدود » بود.

و فقط « أمیر المؤمنین » صلوات الله علیه، با او جنگیدند و او را کشتند.

که باعث شد سپاه کفر بدون هیچ دستاوردی، عقب‌نشینی کند.

و « رشادت و شجاعت و قدرت ایمانی **أمیر المؤمنین** »،

« **أسوه حسنه** بودن » ایشان را بر « همگان »، اثبات شد.

مبارزه و ضربه «أمیر المؤمنین» صلوات الله علیه،

که باعث کشته شدن «عمرو بن عبدود» شد،

آنقدر در «ظهور حق»، «مهم و تأثیرگذار» بود که

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ضَرْبُهُ عَلَى يَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ»

(علامه حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ص ۲۳۴)

دلیل چہارم:



قرآن، از حضرت ابراهیم صلوات الله علیه، « نام » برده است:

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ ... (ممتحنه/۴)

اما از « حضرت محمد صلی الله علیه و آله، « نام » نبرده است:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ... (أحزاب/۲۱)

پس^{۵۱} « مصادیق رسول » قطعاً « أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ » هستند.

و طبقِ دو آیه « میثاق »، « أمیر المؤمنین » صلوات الله علیه،

(و أئمه أطهار صلوات الله عليهم) قطعاً مصداق « رسول » هستند:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ ^{لَمَّا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ} ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ ^{فَرُّ}

مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ، ^{قَالَ: أَأَقْرَرْتُمْ؟ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي. قَالُوا: أَقْرَرْنَا، قَالَ: فَاشْهَدُوا} وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (آل عمران / ۸۱) (أحزاب / ۷)

يَا بَنِي آدَمَ؛ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ ^{فَرُّ} رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي

فَمَنْ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (أعراف / ۳۵)

پیامِ سوم:



از میان « خواص مؤمنین »،

آنان که در « سخت‌ترین شرائط »، (مثل جنگ احزاب)

« همراهی مفید و همیشگی » آنان با « حق^س »،

برای همگان « اثبات » شود،

می‌توانند « شاخص و مقتدا و جهت‌نما » باشند.

در « صدر اسلام »،

حضرت « حمزه »،

و جناب « سلمان، مقداد، ابوذر، عمار، ... »،

و « امروز »،

« امام خمینی، امام خامنه‌ای، سید نصرالله، ... »،

قطعاً « شاخصِ حق » هستند.

پرسشی ۵:



لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ....

(أحزاب/٢١)

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ..

(ممتحنه/٤)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.... (ممتحنه/٦)

«مورد: ۴۵۰»:

«حسنه» یعنی چه؟



پاسخ:



افرادِ «غیر موحدی» که در زمینه‌های مختلف،

«أسوه» و «شاخص» و «راه‌نما» هستند،

حتماً مردم را به «آتشِ خودخواهی» می‌کشانند:

... أئِمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ... (قصص/۴۱)

... أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ... (بقره/۲۲۱)

اما « **أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ** »،

جلوه‌ای از « **أَسْمَاءُ الْحُسْنَى** الهی »،

و سرشار از « **شخصیتی آسمانی** » است،

که پیروی از او، « **بیشترین ابعاد زندگی** » انسان،

و نیت^{۶۱} و گفتار و رفتار و اخلاق او را « **زیبا** » می‌کند.

مهمترین « خصوصیاتِ » اسوه‌ها؟

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ

إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ:

إِنَّا بُرَآءُكُمْ:

كَفَرْنَا بِكُمْ.

مِنْكُمْ

وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا

حَتَّى تُوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (ممتحنه/۴)

برایتان در ابراهیم و آنان که با اویند اسوهای زیباست وقتی به قومشان گفتند:

ما از شما و آنچه بجای خدا می پرستید بیزاریم به شما کفر می ورزیم

و بین ما و شما دشمنی همیشگی رخ داده تا وقتی خدا را باور کنید ...

پس « خصوصیات افراد شاخص و اُسوه » عبارتست از:

۱- **قَالُوا:** (ابراز شفاف)،

۲- **إِنَّا بُرُءَاوُا:** (نفرت درونی)،

۳- **كَفَرْنَا بِكُمْ:** (نفرت بیرونی)،

۴- **بَدَا بَيْنَنَا:** (دشمنی دائمی با کُفر و کُفّار).

۵- **عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا:** (توکل موحدانه).

آیا این «أسوه» بودن،
فقط یک «توصیه» است؟

پاسخ:



قطعاً « **خیر** »،

زیرا « **اطلاقِ اُسوه** بودن » در این « سه آیه »،

علاوه بر اعلامِ « شایستگی » و « جهت‌نما » بودنِ آن اُسوه‌ها،

« **وجوبِ تبعیتِ کامل** » از آنان را هم،

« **بیان** » می‌کند.

و مؤمنین⁶⁷ « **باید** » همیشه و در هر حرکتی به آنان « **اِقتدا** » کنند.

پرسش ۶:



وجوبِ اِقتدا برای « کیست »؟

پاسخ:



لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ... (أحزاب/ ۲۱)
لَقَدْ كَانَ لَكُمْ « فِيهِمْ » أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ... (ممتحنه/ ۶)

لِمَنْ كَانَ: } يَرْجُوا: } وَاللَّهُ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ } وَذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا.

(أحزاب/ ۲۱) (ممتحنه/ ۶)

قطعا براي‌تان در (اقتدا به) رسول خدا، « همانند زيبائی » است،

برای آنها⁷¹ که به خدا و روز آخرت امیدوارند و خدا را فراوان یاد می‌کند.

پیامِ چہارم:



پس مؤمنین،

« همیشه » و در « هر حرکتی در زندگی »،

به « هر فردی » از میان « خواص مؤمنین »،

که « شاخص » بودن خود را عملاً « اثبات » کند،

« **باید** **اقتدا** » و مشتاقانه از او « **تبعیت** » کنند.

پیام پنجم:

مؤمنین، برای

«شییه» حضرتِ «رسول اکرم» صلی الله علیه و آله،

و «شییه» حضرتِ «أمیر المؤمنین» صلوات الله علیه شدن،

و برای «أسوه حسنه» و «شاخص» شدنِ خود،

«باید» بکوشند.

پیام‌های آیه ۲۱ احزاب:

اُسُوِه، همیشه و در همه ابعاد زندگی، مقتدا است.

اُسُوِه، در پیچ‌های **مهم** تاریخ، « **شاخص** » است.

خواصّ مؤمنین هم می‌توانند « **جهت‌نما** » باشند.

« **اِقتداء** » به « **اُسُوِه حسنه** »، « **واجب** » است.

مؤمنین، برای « **اُسُوِه حسنه** » شدن باید بکوشند.

لطفاً «پرسش‌هایی» را که
فرصتِ «پاسخ» پیدا نکردند،
در «گروه مفاهیم»
مطرح بفرمائید. ممنون.



خدایا؛

ما را در «شناختِ اُسوه» زمانِ خود،

و در «تبعیتِ مشتاقانه» از او،

و در کوشش برای «شاخصِ حقّ شدن» یاری،

و در «ظهورِ حقّ» در جهان ما را «سهیم» فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

